

شیوۀ قصه‌پردازی قرآن

فرآیند داستان‌سرایی و قصه‌پردازی در تربیت انسان و شکوفایی اندیشه و استعداد‌های وی تأثیر به‌سزایی دارد. داستان، تجسم عینی زندگی و تجربه عملی یک فرد یا ملت است و هرچه بشر با تاریخ و سرگذشت پیشینیان، بیشتر آشنا شود، گویی به اندازه عمر آن مردم زندگی کرده است. حضرت علی علیه السلام این مطلب را در قالب موعظه و نصیحت به فرزند خویش، امام حسن مجتبی علیه السلام این‌گونه بیان داشته است:

پسرم! اگرچه من به اندازه پیشینیان عمر نکرده‌ام اما در کردار آنان نظر افکنده‌ام و در اخبار ایشان اندیشیده‌ام و در آثارشان سیر کرده‌ام؛ به‌طوری که گویا یکی از آنان بوده‌ام و با مطالعه تاریخ، از اول تا پایان عمرشان با ایشان بوده‌ام. پس قسمت‌های روشن و شیرین زندگی‌شان را از دوران تیرگی بازشناختم^(۱).

یکی از دلایل اثرگذاری قصه و داستان بر روی انسان تمایل فطری او به داستان است؛ از همین‌روست که کتاب‌های تاریخی و آثار داستانی در طول تاریخ فرهنگ بشری رونق خاصی داشته و قابل فهم و درک برای

۱. نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، نامه ۳۱، ص ۵۲۳.

پیام‌های دینی را به زبانی بر مردم ابلاغ کند که موافق طبع و مورد علاقه آنان باشد که این ویژگی‌ها به شکل اعجاز‌آمیز، ماهرانه و هنرمندانه با محتوای قصه عجین گشته است؛ به همین خاطر در این نوشتار به تعدادی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد.

واقع‌نمایی

ساختار زبان قرآن در عرصه‌های گوناگون از جمله در بیان داستان‌ها بر پایه «صدق» و «حق» بنا شده است و هیچ‌گونه باطلی به ساحت آن راه ندارد:

«لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ»^(۳).

هیچ‌گونه باطلی نه از پیش‌روی و نه از پشت‌سر به سراغ آن نمی‌آید زیرا از سوی خداوند حکیم و ستوده نازل شده است.

از تهمت‌های دشمنان اسلام به

نوع مردم بوده است. قرآن مجید به عنوان یک کتاب انسان‌ساز در بیان معارفش شیوه‌های ظریف و متعددی را به کار برده است که یکی از آن‌ها روش «داستان‌پردازی» است. در این کتاب آسمانی نزدیک به ۲۶۰ داستان وجود دارد که وقایع تاریخی را به تفصیل یا ایجاز و در عین شیوایی نقل می‌کند. وجود این همه داستان در جای جای قرآن و اختصاص یافتن یک سوره از آن به نام «قصص» بر اهمیت این موضوع تأکید دارد^(۱).

داستان‌ها و قصه‌های قرآنی روح تازه‌ای را همراه با فرهنگ و تفکر توحیدی و جهان‌بینی الهی ارائه می‌کند. این داستان‌ها جدی، واقعی، پر رمز و راز و با اهداف متعالی و نتایج و آثار مثبت می‌باشد که بیان‌گر راز آفرینش انسان، عوامل تعالی یا انحطاط و دخالت نیروی غیب و هشدار و انذار می‌باشد^(۲).

اگر ما این قصه‌ها و حکایت‌ها را در قرآن می‌بینیم، بدان جهت است که این کتاب می‌خواهد مفاهیم و

۱. مجله گلستان قرآن، شماره ۱۰۲، ص ۳۱.
 ۲. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، آیت‌الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۲۹۸.
 ۳. فصلت: ۴۲.

شیوه قصه‌پردازی قرآن

به طور حقیقی و واقعی برای تو گزارش می‌کنیم. آنان جوانمردانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایت و رستگاریشان افزودیم.

این تعبیر نشان می‌دهد که هم اصل ماجرا حقیقت دارد و هم نقل آن آغشته به تخیل نیست. پس نقل و منقول هر دو حق هستند؛ بنابراین چون قرآن حقیقت محض است، نحوه بینش بیانش نیز حق است و ذهن مخاطب را به باطل و انحراف نمی‌کشاند و هرگز خیال را به جای واقعیت بازگو نمی‌کند و مطلب تخیلی را تحقیقی نمی‌نماید^(۳). اگرچه تمام اخبار و قصه‌های قرآن در سطح حواس و درک مردم بیان شده است، ولی اموری است حقیقی که هیچ‌گونه مجازی در آنها نیست.

در تفکر فلسفی و دینی غرب از زبان سمبلیک و نمادین سخن به میان آمده است و در این راستا تحقیقات

رسول اکرم ﷺ این بود که قرآن را ره‌آورد بافته‌های شعری و خیالی قلمداد می‌کردند به همین جهت خدای سبحان در برابر این تهمت صریحاً پیامبرش را به عنوان «حکیم» معرفی می‌کند و بر شاعر نبودن آن حضرت تأکید می‌ورزد: «و ما عَلَّمْنَاهُ الشُّعْرَ و ما يَنْبَغِي لَهُ...»: ما به او شعر نیاموختیم و شایسته نیست که شاعر باشد...^(۱).

داستان‌های قرآن ساختگی نیست، بلکه واقعیاتی است که در زمان گذشته رخ داده و هدف از آوردن آنها سرگرم کردن مردم نیست، بلکه هدایت، تعلیم و تزکیه انسان را در بر می‌گیرد. به همین دلیل خداوند متعال داستان‌های این کتاب را «حق» و «احسن القصص» معرفی می‌کند؛ چنان که درباره سرگذشت اصحاب کهف می‌فرماید:

«نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى»^(۲).

ما سرگذشت اصحاب کهف را

۱. یس: ۶۹. ۲. کهف: ۱۳.

۳. تفسیر موضوعی قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۴۳۸-۴۳۷.

چاره‌اندیشی و ارائه نظریه واداشت. نظریه زبان سمبلیک و مجازی یکی از این نظریه‌هاست که متأسفانه برخی بدون توجه به پیشینه تاریخی، فرهنگی و دینی آن درباره قرآن به کار می‌برند^(۱).

عبرت‌آموزی

قرآن مجید در آیات متعددی انسان‌ها را به تأمل و تفکر در سرگذشت پیشینیان دعوت می‌کند. درس گرفتن و عبرت آموختن از داستان‌های الهی بزرگ‌ترین موهبت برای کسانی است که دوست ندارند اشتباهات گذشتگان را تکرار نمایند. قرآن؛ سرگذشت اقوام پیشین و شرح رسالت پیامبران الهی را تحت عنوان قصه بیان کرده است. برای نمونه، داستان: **آدم و حوا، هابیل و قابیل، نوح، ابراهیم، موسی، عیسی و سرگذشت اقوامی چون: عاد و ثمود و...**

گسترده‌ای انجام شده است. آن بخش از این مطالب که به کتاب مقدس مسیحیان بازمی‌گردد، در واقع توجیه سخنان خلاف واقعی است که متأسفانه به دلیل تحریفات گسترده، در آن کتاب بسیار دیده می‌شود. سخنان آن کتاب هیچ ربطی به قرآن و زبان قرآن ندارد؛ چون زبان قرآن حقیقتی است که به ذات معانی اشاره دارد و داستان‌های آن وقایعی است که اتفاق افتاده و به بهترین روش بر قلب پیامبر اسلام ﷺ نازل گردیده است.

ما نباید اصطلاحاتی را که در دنیای غرب با توجه به پیشینه فرهنگی، دینی و تاریخی خاص آن دیار استفاده می‌شود، درباره قرآن و معارف بلند الهی به کار ببریم. در غرب مخصوصاً از قرن هیجدهم به بعد مسیحیت از تمام صحنه‌ها عقب رانده شد و کتاب مقدس اهمیت خود را از دست داد؛ به طوری که مورد نقادی فلسفه و علم جدید قرار گرفت و این پدیده، متألهین مسیحی را به

۱. خبرنامه «دین‌پژوهان»، سال دوم، شماره ۱۰، مهر و آبان ۱۳۸۱، ص ۱۱-۱۲.

شیوه قصه‌پردازی قرآن

تمام وقایع تاریخی را آن‌طور که رخ داده است مانند تاریخ‌نگاران بنگارد، بلکه تنها به بیان بخش‌هایی می‌پردازد که با هدف هدایت، هماهنگ باشد. سپس آن را به عنوان سنت الهی بازگو می‌کند؛ برای مثال

از منظر قرآن هر یک از این اقوام روزگاری را با بهره‌مندی از نعمت‌های الهی سپری نمودند؛ اما چون راه باطل را انتخاب کردند و از دستورهای حق سر برتافتند مستوجب عذاب الهی گردیدند و نابود شدند. بر این اساس قرآن مکرر از مردم می‌خواهد از داستان این اقوام عبرت بگیرند تا به سرانجام آنان دچار نشوند:

«أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...»^(۱)

آیا در زمین گردش نکردند تا عاقبت کار کسانی را که پیش‌تر بوده‌اند بنگرند...؟

در آیه بالا و آیات دیگری مانند آن بر نقش عبرت‌آموزی و پندگیری تأکید فراوان می‌شود. این عبرت‌آموزی از نظر داستان‌های قرآن نگاه به زندگی و نحوه رفتار افراد بشری در طول تاریخ است. گزینش صحنه‌های درس‌آموز

قرآن مجید کتاب تاریخ نیست تا

ما نباید اصطلاحاتی را که در دنیای غرب با توجه به پیشینه فرهنگی، دینی و تاریخی خلص آن دیار استفاده می‌شود، درباره قرآن و معارف بلند الهی به کار ببریم. در غرب مخصوصاً از قرن هیجدهم به بعد مسیحیت از تمام صحنه‌ها عقب رانده شد و کتب مقدس اهمیت خود را از دست دارد؛ به طوری که مورد نقادی فلسفه و علم جدید قرار گرفت و این پدیده، متألهین مسیحی را به چاره‌اندیشی و ارائه نظریه واداشت. نظریه زبان سمبلیک و مجازی یکی از این نظریه‌هاست که متأسفانه برخی بدون توجه به پیشینه تاریخی، فرهنگی و دینی آن درباره قرآن به کار می‌برند

۱. یوسف: ۱۰۹.

شنیدن کلام توحیدی خداوند از درخت، سخن به میان آمده است^(۱).

نظم ویژه در بیان داستان

قرآن در بیان یک داستان تمام مطالب را یکجا نمی‌گوید، بلکه هر قسمتی از آن را به مناسبتی در جایی می‌آورد و این خواننده است که بایستی آن‌ها را به هم مرتبط سازد. برای مثال، سرگذشت قوم بنی اسرائیل در بیش از ۲۰ سوره بیان شده که در سرتاسر قرآن پراکنده است و به هیچ‌وجه ترتیب زمانی در آن رعایت نشده است. این پراکندگی در واقع عمومی است و بخشی از هدف قرآن را در رستای بیان قصه‌ها تأمین می‌کند؛ بنابراین خداوند، هدایت و تربیت انسان‌ها را در بسیاری از موارد در پناه قصه دنبال می‌کند و در هر مناسبتی قسمتی از داستان را بیان می‌کند؛ به همین خاطر می‌توان گفت که داستان‌گویی این

نام حضرت موسی علیه السلام بیش از صد بار در قرآن آمده و قصه‌های آن حضرت در ۲۸ سوره به‌طور گسترده بیان شده است؛ اما بخش‌هایی مانند: ثبت تاریخ میلاد و وفات آن حضرت در این کتاب نیامده، بلکه به نکات حساس و آموزنده سرگذشت وی پرداخته است مانند سانحه مهم وحی الهی (الهام) به مادرش درباره انداختن کودک در دریا (رودخانه نیل)، ایجاد آرامش و اطمینان در قلب مادر و مژده بازگشت فرزند پس از بزرگ شدن و رسیدن به مقام رسالت. هم‌چنین از تاریخ هجرت این پیامبر از مصر به مدین و زمان بازگشت وی به مصر جمله‌ای در قرآن نیست اما از خدمت‌گزاری رایگان او برای تأمین آب گوسفندان فرزندان شعیب و نیز از دامداری دختران شعیب، عفاف و پاکدامنی آنان، کیفیت آشنایی موسی علیه السلام با این پیامبر، نحوه انتخاب کارگزار که باید در کار خویش امین و بر کار خود مسلط باشد، مشاهده آتش و رفتن به سوی آن و شهود نور و

۱. تفسیر تسنیم، آیت‌الله جوادی آملی، ج ۱، ص ۴۸-۴۹.

شیوه قصه‌پردازی قرآن

حق و وفای به عهد هستیم. در بیان سرگذشت حضرت موسی علیه السلام قرآن علت انحراف و گمراهی فرعون را خودخواهی و تکبر او برمی شمارد. در ماجرای قارون که مظهر ثروت و علم در میان قوم موسی علیه السلام بود، خداوند می‌فرماید: **«وَقَالَ الَّذِينَ أَوْتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا...»**^(۲): افرادی که علم آموخته بودند به مردم یادآور می‌شدند که برای مومنان و نیکوکاران ثواب خداوندی بهتر از ثروت قارون است.

کاربرد واژه‌های متفاوت

از آن جا که قرآن مجید کتاب تربیتی و سازنده در هر مکان و زمانی است، بعضی از واژه‌ها را در بیان یک داستان به صورت مترادف تکرار نموده تا شنونده و متعلم مطالب تازه‌ای بیاموزد. به همین خاطر در

کتاب پراکنده اما زنده، پویا، هدف‌دار، بیدارکننده، عبرت‌انگیز و سوق‌دهنده انسان در مسیر تعالی و هدایت است^(۱).

آموزه‌های اخلاقی

از دیگر ویژگی‌های داستان‌های قرآن بیان آموزه‌ها و درس‌های اخلاقی است. قرآن مجید ضمن بیان قصه‌ها و سرگذشت امت‌ها از شخصیت‌ها و فضایل اخلاقی آنان صحبت می‌کند. با مطالعه و بررسی این شخصیت‌ها می‌توان درس‌های بسیار مهم و آموزنده از طرز رفتار و عملکرد آنان فراگرفت. برای نمونه در داستان حضرت یوسف علیه السلام دعوت به الگوهای اخلاقی همچون: توکل بر حق، دوری جستن از شهوات و امیال نفسانی، گذشت و مهربانی را می‌توان آموخت. در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام شاهد به کارگیری نیروی تعقل و منطق برای یافتن عظمت و حقانیت الهی، توکل کامل بر حق در مصائب و مشکلات، فداکاری در راه

۱. فصلنامه «یاد»، شماره یک، زمستان ۱۳۶۴، ص

۲۳

۲. قصص: ۸۰.

با یکدیگر آمیخته است و چه بسا که یک یا چند آیه، مطالب متنوعی را در زمینه‌های گوناگون بیان می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که آمیختن مطالب مختلف داستانی، یکی از شیوه‌های بیان قرآن را در تاریخ و داستان‌سرایی تشکیل می‌دهد. به عنوان مثال: آیات ۳۰ تا ۳۹ سوره بقره اختصاص به داستان آفرینش حضرت آدم علیه السلام دارد که خداوند در این ده آیه مطالب داستانی و تاریخی را به صورت فشرده و تقریباً غیرقابل تفکیک بیان فرموده است؛ مانند:

۱. کیفیت آفرینش حضرت آدم علیه السلام
۲. مقام انسان در پیشگاه خدا ۳. مقام انسان در مقابل فرشتگان ۴. وضعیت شیطان و خمیرمایه وجودی او
۵. مقابله دو خط یا دو جریان خدای و شیطانی ۶. ویژگی‌های فسق، کفر و

مقام هدایت لازم است که یک مطلب در هر مناسبت با واژه‌ای خاص بیان شود تا ویژگی موعظه و سازندگی را داشته باشد. این کاربرد واژه به شکل‌های مختلف، مفهوم تازه‌ای را به مخاطبان می‌آموزد^(۱). برای مثال ماجرای تبدیل عصای حضرت موسی علیه السلام به مار در سوره‌های طه، اعراف و نمل تکرار شده است. و هر بار به جای کلمه «مار» یک واژه به کار برده شده است: «فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَى»^(۲)، «...فَإِذَا هِيَ تُعْبَانُ مَبِينٌ»^(۳) و «...فَلَمَّا رَأَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ...»^(۴).

در حقیقت هر واژه در آیات بالا یکی از ویژگی‌های این مار را بیان می‌کند: حَیَّةٌ: مار زنده، تُعْبَانُ: مار بزرگ و جَانٌّ: مار بی‌آزار. یعنی عصای حضرت موسی علیه السلام به ماری تبدیل می‌شد که هم زنده بود و حقیقت داشت. هم بزرگ بود و هم نسبت به آن حضرت بی‌آزار و بی‌زهر بود^(۵).

آمیختگی مطالب

مطالب داستان‌های قرآن به شدت

۱. پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، محمدحسین جعفرزاده، ج ۱، ص ۵۲-۵۱.
 ۲. طه: ۲۰.
 ۳. اعراف: ۱۰۷.
 ۴. نمل: ۱۰.
 ۵. ماهنامه «پاسدار اسلام»، شماره ۲۵۱، آبان ۱۳۸۱، ص ۴۰.

شیوه قصه‌پردازی قرآن

به تعبیر امروز دیالوگ‌ها و گفت‌وگوها با هم تفاوت دارد؛ افزون بر آن، ورود و خروج از داستان هم متفاوت است؛ برای مثال در سوره هود ورود فرشتگان نزد حضرت ابراهیم علیه السلام به شیوه‌ای خاص نقل می‌شود. همین قصه در جای دیگر با روشی دیگر بیان می‌شود. در سوره هود به جهت فرافکندن آن بار سنگینی که بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله پدید آمده از رهگذر مباحث مطرح شده، قصه ابراهیم علیه السلام با بشارت آمده است. حال آن که در جای دیگر همین قصه به روش انذاری و هشداري بیان شده است. این تنوع اسلوبی که در بسیاری از داستان‌های قرآن لحاظ شده، خود نشان‌گر جلوه زیبانگاری است.

جلوه دیگر هنر در داستان‌های قرآن «تقسیم آن‌ها به نماهای مختلف» است. همان‌گونه که فیلم به صورت پلان و نماهای مختلف برای همه جذابیت دارد، خداوند نیز

استکبار در خط شیطان ۷. ویژگی‌های فرمانبرداری، ایمان و تواضع که سمبل آن در این جا ملائکه هستند ۸. ویژگی‌های علم، اراده و قدرت که انسان را شایسته تکلیف می‌سازد ۹. پایان هر یک از دو جریان.

آمیختگی جنبه‌های بالا ضمن ایجاد تنوع در کلام، از یک سو مطالعه تاریخ و فلسفه تاریخ را در قرآن دشوار می‌سازد و از سوی دیگر فرد جستجوگر دقیق و باحوصله را با دریایی مشحون از گوهرهای پربها در زمنیه مورد بحث روبه‌رو می‌سازد؛ به طوری که هرچه کاوش می‌کند، شور و حال بیشتری می‌یابد^(۱).

جلوه‌های هنری

جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن خیلی متنوع است. در بسیاری اوقات یک داستان و یک رویداد واقعی به گونه‌های متفاوت بیان شده است. گاه کوتاهی و بلندی یک رویداد خاص در کتاب آسمانی ما مختلف است و

۱. فصلنامه «یاد»، ص ۲۳.

قصه‌ها را برش داده و نماهای مختلف را به هم دیگر وصل کرده است که با این کار به قصه‌های قرآنی پویایی و تحرک بخشیده است^(۱).

ارائه الگوی خوبان و نمونه بدن یکی از مهم‌ترین ابزار تعلیم و تربیت که اثر قاطع و تعیین‌کننده‌ای در ساختن شخصیت فرد و جامعه دارد، ارائه الگوهای برجسته از ارزش‌ها و نمونه‌های بارز ضد ارزش‌هاست. برای این کار می‌توان از داستان‌های قرآن که سرشار از عبرت‌هاست، استفاده کرد و به خوبی‌ها و بدی‌ها عینیت داد و آن‌ها را در قالب نمونه‌های تاریخی تجسم بخشید؛ به گونه‌ای که هر فردی آن را همانند نمایش‌نامه‌ای از نزدیک ببیند، خود را در کنار قهرمانان تاریخ حس کند و عاقبت خوب یا بد آن‌ها و عوامل شکست و پیروزی را به خوبی درک نماید.

قرآن مجید در مقام تعلیم و تربیت

به صورت گسترده‌ای از داستان استفاده می‌کند؛ یعنی با طرح قصه‌های گوناگون تاریخی و استفاده منطقی از آن‌ها در خدمت اهداف خود قرار می‌دهد و شنونده یا خواننده را در حالی که گویا در فضای داستان نفس می‌کشد و با شخصیت‌های آن زندگی می‌کند، قرار می‌دهد.

بدین‌گونه الگوهایی که قرآن در قصه‌ها مطرح می‌کند، نمونه‌هایی عینی و لمس شده از خوبان و بدان خواهند بود که در پرورش افراد بسیار مؤثر و کارساز هستند^(۲).

هر چند که داستان‌های قرآن اهداف شخصی را تعقیب کرده و در همه آن‌ها نمونه‌هایی از افراد خوب و بد را ارائه می‌دهد، اما بعضی از نمونه‌ها را انگشت‌نما می‌کند و با هدف الگو قرار دادن آن‌ها، به بیان

۱. روزنامه «کیهان»، ۱۷ دی، ۱۳۸۱، شماره ۱۷۵۶۹، صفحه مقالات.

۲. سیری در علوم قرآن، یعقوب جعفری، ص ۲۵۸-۲۵۷.

شیوه قصه‌پردازی قرآن

بودند به عنوان زنان شایسته و صالح یاد می‌کند و هر دو را الگوی خوبان قرار می‌دهد.

۸ بدین‌گونه قرآن مجید در بیان سرگذشت‌ها با ارائه نمونه‌های عینی از افراد مختلف و یادآوری اعمال زشت یا پسندیده آنها گام‌های مهمی را در زمینه تربیت افراد برمی‌دارد و با اعمال این شیوه، صفات خوب و بد را در برابر دیدگان مردم تجسم و عینیت می‌بخشد. این شیوه و روش قرآن مجید در امر تعلیم و تربیت بسیار کارساز است.

مطالب مورد نظر خود می‌پردازد؛ به طوری که گاهی دو نمونه خوب و بد را در کنار هم قرار داده و آنها را با هم مقایسه می‌کند تا شنونده یا خواننده با تفکر در آن دو نمونه و سنجش عملکرد آنها به نتایج مطلوبی دست یابد. برای مثال در سوره تحریم می‌فرماید: «ضرب الله مثلا للذین کفروا امرأة نوح و امرأة لوط...»^(۱) در این آیات شریفه دو زن بد را با دو زن خوب مقایسه می‌کند: زن حضرت نوح علیها السلام و زن حضرت لوط علیها السلام را به عنوان زنان بدی که با اعمال زشت و ناپسند خود گمراه شدند یاد می‌کند در حالی که همسر پیامبر بودند و از زن فرعون و حضرت مریم که نمونه پاک‌ی، ایمان و تقوا